

مجله‌ی علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز  
سال چهارم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۹۲ (پیاپی ۸)

## بررسی واژگان خوانداری کودکان دبستانی و مقایسه‌ی آن‌ها با واژگان نوشتاری آنان

مرتضی کوکبی\*      زهره چراغی\*\*

دانشگاه شهید چمران اهواز

### چکیده

وجود کتاب مناسب و درخور ویژگی‌های کودک، در ایجاد انگیزه و عادت مطالعه بسیار مؤثر است. کتاب کودک و نوجوان هم از نظر موضوع و هم از نظر سبک نگارش، نباید از محدوده‌ی توانایی‌های ذهنی او فراتر باشد. اگر واژگان به کار رفته در متن کتاب در حد توانایی‌ها و قابلیت‌های زبانی کودک نباشد، در انتقال مفاهیم و تجارب به کودک موفق نخواهد بود. پژوهش حاضر با هدف بررسی و استخراج واژگان پایه‌ی خوانداری کودکان دبستانی، و سپس مقایسه‌ی این واژگان با واژگان نوشتاری کودکان دبستانی انجام گرفته است. این پژوهش از نوع اکتشافی و مقیاس به کار رفته در آن، مقیاس اسمی است. جامعه‌ی مورد بررسی شامل مجموعه‌ی کتاب‌های داستانی کودکان دبستانی (شامل گروه‌های سنی «ب»، «ج» و «ب و ج») است که از سوی شورای کتاب کودک مناسب تشخیص داده شده‌اند. ابزار اجرای این پژوهش نرم‌افزاری است که به زبان برنامه‌نویسی دلفی و مطابق با سؤالات و ویژگی‌های خاص این پژوهش طراحی شده است. در این پژوهش ۱۶۲۶۵۰ صورت زبانی و ۶۱۵۵ واژه به دست آمده و در نهایت ۱۶۰۲ واژه به عنوان واژگان پایه‌ی خوانداری معرفی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هم‌خوانی واژگان خوانداری و نوشتاری در زیرگروه‌های فعل ساده، عناصر طبیعی و اندام و رنگ، «زیاد» و در زیرگروه‌های واژگان علمی، دین،

\* استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی kokabi80@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی Z.cheraghi58@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

ورزش، شهرها، اصطلاحات و مصدر، «خیلی کم» و در دیگر زیرگروه‌ها «کم» بوده است. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش، در مجموع هم‌خوانی و مطابقت واژگان خواننداری و نوشتاری این گروه سنی «کم» بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** بسامد واژگان، صورت‌های زبانی، واژگان پایه، واژگان نوشتاری، واژگان خواننداری، کودکان دبستانی

### ۱. مقدمه

در گذشته تجارب و اندوخته‌های بشری را ادبیات شفاهی به نسل‌های بعدی منتقل می‌کرد؛ اما در حال حاضر، انتقال دانش به نسل‌های آینده و آموزش آن‌ها اساساً از راه خواندن و نوشتن؛ یعنی از طریق ادبیات مکتوب انجام می‌گیرد. از این‌رو، خواندن و نوشتن در فرایند آموزش رسمی و غیررسمی، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد.

به طور کلی، تجربه‌ی کودک و نوجوان اندک است و تجارب بزرگسالان بیش‌تر از اندوخته‌های اوست؛ بنابراین وظیفه‌ی ما این است که این تجارب را به گونه‌ای کارآمد و مؤثر به کودک انتقال دهیم تا راه‌گشای زندگی فردی و اجتماعی او باشند. مناسب‌ترین راهی که در این دوره از زندگی می‌توان از آن برای انتقال تجارب به کودک استفاده کرد، داستان است. مطالعه‌ی داستان، کودک را با واقعیت‌های محیط پیرامون آشنا می‌کند و بسیاری از مفاهیم اجتماعی نظیر رسوم و آیین‌های اجتماعی، عشق، ایثار، خانواده و... را به او می‌آموزد. در این میان وجود کتاب مناسب و در خور ویژگی‌های کودک، در ایجاد انگیزه و عادت مطالعه بسیار مؤثر است؛ بنابراین کتاب کودک و نوجوان هم از نظر موضوع و هم از نظر سبک نگارش، نباید از محدوده‌ی توانایی‌های ذهنی او فراتر باشد. اگر واژگان به کار رفته در متن کتاب در حد توانایی‌ها و قابلیت‌های زبانی کودک نباشد، در انتقال مفاهیم و تجارب به کودک موفق نخواهد بود؛ به عبارتی، واژگانی که برای کودک ناآشناست، نمی‌تواند ابزار و رسانه‌ی مناسبی برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم آموزشی و اجتماعی به کودک باشند؛ زیرا نمی‌توانند با کودک ارتباط مؤثر برقرار کنند.

### ۲. مسئله‌ی پژوهش

«پرداختن به موضوع واژگان از آن جهت مهم است که فرایند مطالعه بر مبنای رمز گشایی، خواندن و درک انسان از نشانه‌های چاپی صورت می‌گیرد و این نشانه‌های

چاپی عمدتاً همان واژگان هستند» (یغمایی، ۱۳۸۳: ۸)؛ پس تا زمانی که مخاطب (کودک)، نتواند واژگان را رمزگشایی و درک نماید فرایند ارتباطی مؤثری صورت نگرفته است. به عقیده‌ی سحابی‌راسخ، «آنچه کودک را بیش‌تر با چیزی که می‌خواند ارتباط می‌دهد، قدرت درک او از متن است» (سحابی‌راسخ، ۱۳۸۰: ۹۰). بنابراین نوع واژگان به‌کار رفته در ادبیات کودک و تناسب و هم‌خوانی آن با توانایی‌ها و قابلیت‌های کودک اهمیت خاصی دارد.

می‌توان گفت که «وارد کردن واژه‌های تازه به عرصه‌ی ادبیات کودک و در نتیجه توسعه‌ی دایره‌ی واژگانی او، نه فقط مفید بلکه بر عهده و تکلیف نویسنده است؛ اما شرایطی دارد؛ نخست آن‌که باید در سطح فهم و درک کودک باشد و بر مفاهیم و مصادیق بیرون از حوزه‌ی ادراک او دلالت نداشته باشد؛ دوم، آن‌که چندپهلوی و مبهم نباشد و روشن و دقیق معنی را برساند، افزون بر این، تلفظ آن برای کودک چنان دشوار نباشد که کودک هنگام مطالعه از خواندن آن منصرف شود. رعایت این نکات نه فقط متن را آسان و در خور فهم کودک و او را با کلمات جدید آشنا می‌سازد، بلکه عملاً به پرورش ذهن و زبان او یاری می‌رساند» (حافظی، ۱۳۸۰: ۱۰). نکته‌ای که باید در این باره به آن توجه شود این است که وقتی کودک، خواندن را نیز آموخته و خود، متن را می‌خواند این مسائل اهمیت بیش‌تری می‌یابد.

این موضوع به ویژه در زمینه‌ی کتاب‌های داستانی اهمیت بیش‌تری می‌یابد؛ زیرا احتمال اینکه دانش‌آموز دبستانی هنگام مطالعه‌ی یک کتاب درسی، در صورت مواجهه با واژگان مهجور و غیرقابل درک به معلم یا معانی ارائه شده در کتاب مراجعه نماید بسیار بیش‌تر از مواقعی است که کودک در منزل یا کتابخانه به تنهایی مشغول خواندن یک کتاب داستانی باشد.

از این‌رو، مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر، شناسایی یکی از ویژگی‌های زبانی کودکان (واژگان خوانداری)، از نظر گستره، نوع و تعداد واژگان و بررسی میزان مطابقت و هم‌خوانی آن‌ها، با واژگان به‌کار گرفته شده به وسیله‌ی کودکان (واژگان نوشتاری) است؛ به بیان دیگر، بررسی این نکته که نویسندگان و مترجمان کتب کودک و نوجوان تا چه میزان از واژگان آشنا و قابل درک در متون داستانی گروه‌های سنی «ب» و «ج» استفاده کرده‌اند، مسئله اصلی این پژوهش بوده است. نتایج حاصل از این

پژوهش می‌تواند به نویسندگان کودک و نوجوان در زمینه‌ی انتخاب واژگان مناسب برای آموزش مفاهیم و عبارات ناآشنا کمک کند و در تهیه و تألیف کتاب‌های درسی و غیر درسی متناسب با توانایی‌های این گروه سنی مفید واقع شود.

### ۳. هدف پژوهش

پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی و شناسایی واژگان خوانداری کودکان دبستانی بر پایه‌ی پیکره‌ای از کتب داستانی مناسب منتشر شده برای آن‌ها در طول سال‌های ۸۰ و ۸۱ و مقایسه‌ی این واژگان با واژگان نوشتاری کودکان دبستانی، میزان مطابقت و هم‌خوانی واژگانی را که کودکان دبستانی ایرانی می‌شناسند و در برقراری ارتباط نوشتاری از آن‌ها استفاده می‌کنند (واژگان نوشتاری)، با واژگانی که در مطالعه به آن‌ها مواجه می‌شوند (واژگان خوانداری) بررسی کند.

### ۴. پرسش‌های پژوهش

پرسش‌هایی که در این پژوهش به آن‌ها پاسخ داده می‌شود عبارتند از:

۱. شیوه‌ی توزیع فراوانی واژگان به کار رفته در کتاب‌های داستانی مناسب کودکان دبستانی، در چهار گروه اصلی (فعل، غیرفعل، اصطلاح و مصدر) چگونه است؟
۲. شیوه‌ی توزیع فراوانی افعال (ساده و مرکب) به کار رفته در کتاب‌های داستانی مناسب کودکان دبستانی چگونه است؟
۳. شیوه‌ی توزیع فراوانی واژگان به کار رفته در کتاب‌های داستانی مناسب کودکان دبستانی در نوزده زیرگروه غیرفعلی، چگونه است؟
۴. واژگان پایه‌ی خوانداری کودکان دبستانی حاصل از پژوهش حاضر کدام است؟
۵. میزان انطباق و هم‌خوانی واژگان خوانداری به دست آمده در این پژوهش با واژگان نوشتاری بدست آمده در پژوهش فکری (۱۳۸۲)، در چهار گروه اصلی و واژگان پایه چقدر است؟

## ۵. پیشینه‌ی پژوهش

## ۱-۵. پیشینه پژوهش در خارج از ایران

واژگان پایه برای اولین بار برای آموزش زبان انگلیسی در مقام زبان دوم مورد توجه قرار گرفت. به گفته‌ی رونالد کارتر<sup>۱</sup> انگلیسی پایه<sup>۲</sup> نام طرحی بود که با هدف تهیه‌ی حداقل واژگان مورد نیاز برای یادگیری زبان انگلیسی مطرح شد. واژگان پایه‌ی انگلیسی در اواخر سال ۱۹۲۰ برای اولین بار مطرح شد و تا امروز موضوع بحث‌های فراوانی بوده است. آگدن<sup>۳</sup> و ریچاردز<sup>۴</sup> از طراحان اولیه‌ی این پیشنهاد بودند. واژگان پایه در زبان دوم در خارج از ایران سابقه‌ای هشتاد ساله و در زبان اول سابقه‌ای هفتاد ساله دارد. البته به دلیل تخصصی شدن این موضوع، تحقیقات اندکی تحت عنوان کلی واژگان پایه یافت می‌شود (علاقه‌مندان، ۱۳۸۰).

همان طور که بیان شد، پرداختن به موضوع واژگان پایه در خارج از ایران سابقه‌ای طولانی دارد؛ بنابراین پژوهش‌گران خارج از کشور از تهیه‌ی فهرست‌های الفبایی و بسامدی برای کودکان فراتر رفته و از این فهرست‌ها در آموزش زبان استفاده می‌کنند. این پژوهش‌ها بیش‌تر به مباحث نظری کار و بررسی اهمیت و نقش واژگان پایه در زبان‌آموزی پرداخته‌اند.

بیکر<sup>۵</sup>، از اولین محققانی بود که به اهمیت موضوع توسعه‌ی واژگانی در دانش‌آموزان پی برد و به بررسی در این زمینه پرداخت. وی در سال ۱۹۹۷ از طریق پژوهشی، بین حجم واژگان و موفقیت یا شکست تحصیلی دانش‌آموزان رابطه برقرار کرد و معتقد بود که نقص واژگانی، علت عمده و اصلی و شکست تحصیلی دانش‌آموزان ناموفق در پایه‌های سوم تا دوازدهم است. وی در این پژوهش مشاهده کرد که مشکل اصلی برای موفقیت در مراحل اولیه‌ی خواندن، نبودن پیکره‌ای از واژگان مناسب برای برآوردن نیازهای آموزشی است که در سال‌های آخر دبستان شروع می‌شود و در تمام طول تحصیل ادامه می‌یابد (بیکر، سیمونز<sup>۶</sup> و کامینوی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱).

<sup>۱</sup> Ronald Carter

<sup>۲</sup> Basic English

<sup>۳</sup> C.K. Ogden

<sup>۴</sup> I.A. Richards

<sup>۵</sup> Scott K. Baker

<sup>۶</sup> Simmons

<sup>۷</sup> Kameenui

از دیگر پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی واژگان کودکان انجام شده است، می‌توان به پژوهش وایت<sup>۱</sup> و هم‌کاران (۱۹۹۰)، اشاره کرد. آنان در این پژوهش، تفاوت بین حجم واژگان و میزان رشد واژگانی دانش‌آموزان پایه‌های اول تا چهارم را در دو مدرسه با طبقات اجتماعی و اقتصادی پایین و یک مدرسه با طبقات اجتماعی و اقتصادی متوسط بررسی کردند. واژگان خوانداری در این تحقیق، به تعداد واژگان مکتوبی که درک می‌شدند گفته می‌شد. یافته‌ها نشان داد که تفاوت‌های مهمی، حتی در پایه‌ی اول، بین حجم واژگان خوانداری دانش‌آموزان در مدرسه‌ی با طبقات اجتماعی و اقتصادی متوسط در مقایسه با دانش‌آموزان دو مدرسه با طبقات اجتماعی و اقتصادی پایین وجود داشت. یکی از یافته‌های مهم این پژوهش این بود که رشد واژگان از یک طبقه‌ی اجتماعی و اقتصادی به طبقه‌ی دیگر متفاوت بود؛ به این معنی که واژگان دانش‌آموزان مدرسه با طبقات اجتماعی و اقتصادی متوسط، سالانه حدود ۵۲۰۰ واژه رشد می‌کرد؛ در حالی که این رشد در دانش‌آموزان دو مدرسه با طبقات اجتماعی و اقتصادی پایین حدود ۳۵۰۰ واژه بود (وایت و همکاران، ۱۹۹۰).

#### ۵-۲. پیشینه‌ی پژوهش در ایران

اولین پژوهشی که در زمینه‌ی واژگان کودکان دبستانی در ایران انجام شده، پژوهش بدره‌ای (۱۳۵۰)، است. او در این پژوهش ۹۸۷۶۹ واژه را از ۱۰۸۵ نامه که کودکان سراسر ایران برای مرکز ملی آموزش بزرگسالان ارسال کرده بودند، بررسی کرده است. واژگانی که از این پژوهش به ثبت رسیده شامل ۸۷۱۲ صورت زبانی و ۴۵۹۸ واژه است که در دو جدول الفبایی و بسامدی ارائه شده‌اند (بدره‌ای، ۱۳۵۰).

علاقه‌مندان (۱۳۸۰)، نیز در پژوهش خود به موضوع اهمیت تهیه‌ی واژگان پایه برای برنامه‌ریزی درسی دانش‌آموزان پرداخته و پیشینه‌ی این موضوع و تحولات آن را در داخل و خارج بررسی کرده است. وی در این پژوهش، از تدوین طرحی با عنوان «شناسایی واژگان پایه‌ی کودکان پیش دبستانی و دانش‌آموزان ابتدایی» خبر می‌دهد که به‌وسیله‌ی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اجرا خواهد شد (علاقه‌مندان، ۱۳۸۰: ۸۰-۸۴).

<sup>۱</sup> T.G. White

پژوهش دیگر در زمینه‌ی واژگان کودکان، پژوهش فکری (۱۳۸۲) است. فکری در این پژوهش، نامه‌های ارسالی کودکان دبستانی سراسر کشور را به دفتر مجلات رشد نوآموز و رشد دانش‌آموز در سال‌های ۸۰-۸۱ بررسی کرده است. به گفته‌ی وی، این پژوهش برای شناسایی واژگان پایه‌ی نوشتاری کودکان دبستانی و ارائه‌ی معیاری مناسب برای استفاده‌ی دست‌اندرکاران تهیه‌ی متون خواندنی برای کودکان، انجام شده است. در این پژوهش، ۵۶۰۸۶ واژه و ۴۷۵۴ واژه‌ی غیرتکراری از ۳۶۷ نامه استخراج شده است. معیار تفکیک واژه در این پژوهش نظریه‌ی ساختاری است؛ بدین صورت که کلیه‌ی ترکیبات اضافی و وصفی به واژگان سازنده‌ی خود تفکیک شده‌اند. حاصل این پژوهش یک جدول الفبایی شامل ۵۶۰۸۶ واژه (صورت زبانی)، یک جدول بسامدی شامل ۴۷۵۴ واژه و یک جدول واژگان پایه شامل ۷۶۱ واژه است (فکری، ۱۳۸۲).

با توجه به پیشینه‌ای که ارائه شد، روشن می‌شود که عمده‌ی تلاش‌هایی که در زمینه‌ی واژگان کودکان صورت گرفته، صرفاً با هدف گردآوری واژگان پایه‌ی کودکان (خوانداری یا نوشتاری) بوده و کم‌تر پژوهشی به موضوع مقایسه و بررسی هم‌خوانی آن‌ها پرداخته است. بنابراین پژوهش حاضر با توجه به خلایق که در این زمینه احساس می‌شود، ابتدا به استخراج واژگان خوانداری کودکان دبستانی در دوره‌ی زمانی تعیین شده پرداخته و سپس برای این که نتیجه صرفاً به ارائه فهرستی از واژگان محدود نشود، این واژگان را با واژگان نوشتاری که در همین دوره‌ی زمانی از نامه‌های دست‌نویس کودکان دبستانی استخراج شده است، مقایسه کرده است. وجه تمایز دیگر این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی واژگان خوانداری، جامعه‌ی پژوهش؛ یعنی کتاب‌های داستانی مناسب این گروه سنی است؛ چراکه پژوهش‌های پیشین همگی بر اساس پیکره‌ای از کتاب‌های درسی انجام شده است و پژوهش‌گر تا زمان پژوهش با پژوهشی که کتاب‌های داستانی را برای استخراج واژگان خوانداری ارزیابی کرده باشد، برنخورده است.

### ۶. جامعه‌ی پژوهش و روش گردآوری اطلاعات

مطلوب‌ترین جامعه برای چنین پژوهشی، مطالعه و بررسی تمامی کتاب‌های منتشر شده برای گروه سنی دبستان در طول سال‌های ۸۰ و ۸۱ بود؛ اما از آن‌جا که لازمه‌ی انجام این پژوهش، دسترسی به کتاب‌ها و بررسی تک‌تک واژگان آن‌ها بوده و از طرفی دسترسی به تمامی کتاب‌های منتشر شده در سال‌های مورد نظر و گردآوری آن‌ها بر اساس گروه سنی مورد نظر و نیز بررسی حجم عظیم واژگان آن‌ها کاری دشوار و تقریباً غیرممکن بود، پژوهش‌گر ناچار شد از بین تمامی کتاب‌های داستانی منتشر شده برای گروه سنی دبستان در طول سال‌های ۸۰ و ۸۱، تعدادی را به عنوان جامعه‌ی نمونه انتخاب کند.

گفتنی است از آن‌جا که این انتخاب نیز می‌بایست به گونه‌ای باشد که به بهترین شیوه، گویای ویژگی‌های کل جامعه باشد؛ بنابراین تصمیم گرفته شد که جامعه‌ی پژوهش، محدود شود به مجموعه کتاب‌های داستانی کودکان دبستانی ۳ گروه سنی «ب»، «ج» و «ب و ج» که در سال‌های ۸۰ و ۸۱ از سوی شورای کتاب کودک مناسب تشخیص داده شده‌اند.

مهم‌ترین دلیل انتخاب کتاب‌های مناسب شورا، تأیید آن‌ها از سوی شورای کتاب کودک بود، بنابراین فرض بر این است که این کتاب‌ها باید از جنبه‌های مختلف (سبک نگارش کتاب، دشواری واژگان و تناسب با توانایی‌های گروه سنی مشخص شده در کتاب) بررسی و تأیید شده باشند و در نتیجه در مقایسه با کتاب‌های دیگر مطابقت بیشتری با توانایی‌های کودکان داشته باشند. اگر نتایج حاصل از این پژوهش نشان‌دهنده‌ی ناهماهنگی واژگان این مجموعه‌ی مناسب با توانایی‌های کودکان باشد، می‌توان تصور کرد که کتاب‌هایی که مناسب تشخیص داده نشده‌اند، چه وضعیتی دارند.

گفتنی است برای گردآوری کتاب‌های مورد نیاز، ابتدا با استفاده از فصل‌نامه‌های داخلی شورای کتاب کودک که در پاییز سال‌های ۸۱ و ۸۲ منتشر شده و به ترتیب آثار منتخب سال‌های ۸۰ و ۸۱ را ارائه می‌دهد، سیاهه‌ای از کتاب‌های مورد نظر تهیه و سپس گردآوری شد. در این جست‌وجو ۲۱ عنوان از سیاهه‌ی مورد نظر به دست آمد و از این تعداد کتاب، ۱۶۲۶۵۰ واژه استخراج شد.



### ۷. روش و ابزار اجرای پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات اکتشافی است. مقیاس به‌کار رفته در این پژوهش، مقیاس اسمی است که برای استفاده از این مقیاس، پژوهش‌گر باید بتواند دو یا چند دسته ویژگی یا عامل مشترکی را مشخص کند که وجه تمایز یک گروه از گروه دیگر اشیا، افراد و مطالب باشد؛ به سخن دیگر، هر شیء یا فرد در هر گروه، دسته یا طبقه‌ی مورد مطالعه باید دارای خصوصیت مورد نظر باشد یا نباشد (دیانی، ۱۳۶۹: ۳۰). در این پژوهش نیز هر گروه از واژه‌ها بر اساس ویژگی‌های خاصی از یکدیگر متمایز می‌شوند. تعدادی از واژه‌ها در گروه فعلی، تعدادی در گروه اسمی و ... قرار می‌گیرند. به این ترتیب یک واژه نمی‌تواند در دو گروه جای گیرد؛ زیرا آن واژه یا خاصیت فعلی دارد یا ندارد.

دو نکته‌ی دیگر در هنگام استفاده از مقیاس اسمی در پژوهش‌های اکتشافی، این است که اولاً، همه‌ی عناصر موجود باید در طبقه‌بندی منظور شود؛ ثانیاً، باید توجه داشت که کلمه و عبارتی که به کار می‌رود برای هر متغیر، یگانه باشد (همان: ۳۱). برای رعایت نکته‌ی اول در پژوهش حاضر، اگر طبقه‌بندی فعلی مورد نظر بوده، همه‌ی زمان‌های موجود (ماضی نقلی، ماضی استمراری، ماضی التزامی، مضارع ساده، مضارع اخباری و ...) از یک فعل در جایگاه همه‌ی عناصر موجود در طبقه‌بندی آمده است. برای رعایت نکته‌ی دوم نیز از متغیرهایی استفاده شده است که بیش از یک معنا را به ذهن متبادر نسازد. گروه‌های واژگان با متغیرهای مشخص و تعریف شده‌ای چون فعل، غیرفعل و ... طبقه‌بندی می‌شوند. معیار تفکیک واژه در این پژوهش، بر اساس نظریه‌ی ساختاری بوده است؛ بدین صورت که همه‌ی ترکیبات اضافی و وصفی به واژگان سازنده‌ی خود تفکیک شده‌اند. برای تفکیک اولیه‌ی واژگان در این پژوهش، چهار گروه اصلی غیرفعلی، فعلی، اصطلاحات و مصدر در نظر گرفته شده است و هر واژه با توجه به خصوصیتی که دارا است و ویژگی‌هایی که دارد در یکی از این گروه‌ها قرار می‌گیرد. در گروه فعلی دو زیرگروه «فعل ساده» و «فعل مرکب» در نظر گرفته شده است. در گروه اصلی غیرفعلی نیز ۱۹ زیرگروه «اشیا و ابزار، جانوران، گیاهان، اندامها و حواس، جای‌ها و مکان‌ها، دین، گوهرها و عناصر طبیعی، واژه‌های علمی، خوراکی‌ها، ورزش و بازی، خویشاوندی، اعداد، گاه‌شماری و زمان، مشاغل و حرفه‌ها، اسامی

خاص و مشاهیر، شهرها، استان‌ها و کشورها، پوشاک، رنگ‌ها و حالات» وجود دارد. پس از تعیین نوع واژگان و تفکیک و شمارش آن‌ها در گروه‌های تعیین شده، برای به دست آوردن واژگان پایه‌ی خوانداری، از بین واژگان به دست آمده، از فرمول درجه کاربرد واژه به شرح زیر استفاده شده است:

$$۱۰۰ / (\text{پراکندگی} \times \text{بسامد}) = \text{درجه کاربرد واژه (بدره‌ای، ۱۳۵۲: ۳۶)}$$

پراکندگی در این فرمول عددی بین صفر و یک است. عدد ۱ بیان‌گر آن است که واژه در سه گروه سنی استفاده شده است و اعداد کم‌تر از یک (که همگی کسری از ۱/۳ می‌باشند)، نشان‌دهنده‌ی میزان استفاده‌ی واژه در گروه‌های سنی مختلف هستند؛ برای نمونه اگر پراکندگی واژه‌ای ۱/۳ باشد، به این معنی است که آن واژه در یک گروه سنی استفاده شده است.

در این پژوهش، پس از استخراج واژگان خوانداری، این واژگان با واژگان نوشتاری به دست آمده در پژوهش فکری (۱۳۸۲)، از نظر تعداد و کمیت و نیز هم‌خوانی واژگان با هم، مقایسه شد. برای مقایسه از نظر مطابقت و هم‌خوانی، ابتدا درصد واژگان مشابه در هر گروه یا زیرگروه محاسبه و سپس به عنوان قرارداد، درصد‌های به دست آمده مطابق جدول شماره‌ی ۱ ارزیابی شد.

جدول ۱: معیار میزان شباهت و هم‌خوانی واژگان در هر دو پژوهش

درصد به دست آمده	کم‌تر از ۲۵٪	بین ۲۵٪ تا ۵۰٪	بین ۵۰٪ تا ۷۵٪	بیش‌تر از ۷۵٪
شباهت واژگان	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد

ابزار اجرای این پژوهش نرم‌افزاری است که به زبان برنامه‌نویسی دلفی و مطابق با پرسش‌ها و ویژگی‌های خاص این پژوهش از سوی پژوهش‌گر طراحی شده است. واژگان موجود در کتاب‌های داستانی مورد نظر، به صورت جداگانه به این برنامه وارد شده، هر یک در گروه و زیرگروه خاص خود قرار گرفتند. سپس با استفاده از نرم افزار، آمار و جداول مورد نظر استخراج و ارزیابی شد.

## ۸. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۸-۱. پاسخ سؤال اول: برای پاسخ به اولین پرسش پژوهش، در جدول شماره‌ی ۲ توزیع فراوانی مجموع صورت‌های زبانی، واژگان و بسامد آنها در چهار گروه اصلی تعیین شده در این پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی مجموع صورت‌های زبانی و واژگان و بسامد آنها در چهار گروه اصلی

گروه‌های اصلی	صورت زبانی	واژگان	بسامد
فعل	۴۱۷۹	۵۴۸	۳۰۹۶۱
غیر فعل	۹۱۲۸	۵۰۸۰	۱۲۹۶۳۱
اصطلاح	۲۵۱	۱۹۲	۳۸۲
مصدر	۴۳۷	۳۳۵	۱۶۷۳
مجموع	۱۳۹۹۵	۶۱۵۵	۱۶۲۶۵۰

۸-۲. پاسخ سؤال دوم: همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ۳ مشاهده می‌شود، در کتاب‌های داستانی مناسب بررسی شده، در مجموع از ۵۴۸ فعل که شامل ۲۱۸ فعل ساده و ۳۳۰ فعل مرکب بوده است؛ استفاده شده است. بسامد قابل توجه ۲۸۸۴۹ برای افعال ساده، نشان‌دهنده‌ی کاربرد بیش‌تر افعال ساده برای کودکان این گروه سنی است. جدول ۳: توزیع فراوانی مجموع صورت‌های زبانی، واژگان و بسامد آنها در افعال ساده و مرکب

افعال	صورت زبانی	واژگان	بسامد
ساده	۳۰۳۴	۲۱۸	۲۸۸۴۹
مرکب	۱۱۴۵	۳۳۰	۲۱۱۲
مجموع	۴۱۷۹	۵۴۸	۳۰۹۶۱

۸-۳. پاسخ سؤال سوم: در ۱۹ زیرگروه تعیین شده برای گروه غیرفعلی، در مجموع ۲۳۰۱ واژه با بسامد ۳۹۴۱۶ بررسی شده است. در جدول شماره‌ی ۴ زیرگروه‌های غیرفعلی معرفی و توزیع فراوانی مجموع صورت‌های زبانی، واژگان و بسامد آنها به ترتیب از بیش‌ترین واژگان تا کم‌ترین آنها نشان داده شده است.

جدول ۴: توزیع فراوانی مجموع صورت‌های زبانی، واژگان و بسامد آن‌ها در ۱۹ گروه غیرفعالی

بسامد	واژگان	صورت زبانی	زیر گروه‌های غیر فعلی
۳۹۴۱	۳۲۰	۵۳۲	حالات
۲۶۷۵	۲۹۹	۶۳۱	اشیا
۵۴۰۶	۲۲۱	۶۱۳	جانوران
۲۰۴۴	۲۰۴	۳۵۰	مشاغل
۴۵۴۸	۱۷۸	۲۱۲	اسامی خاص و مشاهیر
۲۵۶۵	۱۶۹	۳۳۱	جای‌ها و مکان‌ها
۹۹۷	۱۲۸	۲۴۶	خوراکی‌ها
۲۵۸۹	۱۲۷	۲۸۷	گوهرها و عناصر طبیعی
۳۸۵۵	۱۰۸	۲۰۳	زمان
۴۶۹	۸۶	۱۲۸	واژه‌های علمی
۳۹۱۴	۸۲	۳۹۷	اندام‌ها
۱۰۲۰	۷۵	۱۶۹	گیاهان
۲۰۳۵	۶۲	۹۰	اعداد
۱۶۴۰	۴۹	۱۸۱	خویشاوندی
۳۱۶	۴۶	۶۹	دین
۴۵۲	۴۷	۷۷	ورزش و بازی
۲۹۳	۴۴	۱۰۳	پوشاک
۴۴۸	۳۱	۶۵	رنگ‌ها
۲۰۹	۲۴	۳۹	شهرها و استان‌ها
۳۹۴۱۶	۲۳۰۱	۴۷۲۴	مجموع

۴-۸. پاسخ سؤال چهارم: در این پژوهش، با استفاده از فرمول درجه‌ی کاربرد واژه، درجه‌ی کاربرد برای تمامی واژگان استخراج شده، محاسبه و سپس واژگان با درجه‌ی کاربرد بزرگ‌تر یا مساوی با ۰/۰۵ به عنوان واژگان پایه معرفی شد. به این ترتیب، تعداد ۱۶۰۲ واژه که شرط بالا را داشتند، به عنوان واژگان پایه‌ی خوانداری معرفی شدند.

۵-۸. پاسخ سؤال پنجم: پس از استخراج واژگان خوانداری کودکان دبستانی بر اساس کتاب‌های داستانی آن‌ها، به مقایسه‌ی این واژگان با واژگان نوشتاری به دست آمده از نامه‌های آن‌ها که در پژوهش فکری (۱۳۸۲)، ارائه شده است، پرداخته می‌شود. برای مقایسه‌ی یافته‌های دو پژوهش، دو نوع مقایسه از نظر تعداد و کمیت واژگان به دست آمده، و همچنین میزان مطابقت و هم‌خوانی واژگان به دست آمده در چهار گروه اصلی

و واژگان پایه‌ی دو پژوهش انجام گرفته است. مقایسه از نظر کمی به این منظور انجام شده است که مشخص شود در هر پژوهش، چه درصدی از کل واژگان به دست آمده به هر یک از گروه‌ها یا زیرگروه‌ها اختصاص یافته است. یافته‌های حاصل از مقایسه کمی در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵: مقایسه کمی واژگان در هر دو پژوهش

زیر گروه	پژوهش حاضر		پژوهش فکری		تعداد واژگان	درصد نسبت به کل	تعداد واژگان	درصد نسبت به کل
	تعداد واژگان	بسامد	تعداد واژگان	بسامد				
مجموع افعال	۵۴۸	۳۰۹۶۱	۳۴۲	۱۰۲۹	۳۴۲	٪۱۸/۳۵	۳۴۲	٪۷/۱۹
	۲۱۸	۲۸۸۴۹	۱۳۹	۹۵۰۳	۱۳۹	٪۱۶/۹۴	۱۳۹	٪۲/۹۲
	۳۳۰	۲۱۱۲	۲۰۳	۷۸۹	۲۰۳	٪۱/۴	۲۰۳	٪۴/۲۷
اشیاء و ابزار جانوران مشاغل و حرفه‌ها اسامی خاص و مشاهیر جای‌ها و مکان‌ها خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها گوهرها و عناصر طبیعی واژگان مربوط به زمان واژه‌های علمی اندام‌ها و حواس گیاهان اعداد خویشاوندی دین ورزش و بازی پوشاک رنگ‌ها شهرها و استان‌ها	۲۹۹	۲۶۷۵	۲۴۳	۱۰۰۶	۲۴۳	٪۱/۷۹	۲۴۳	٪۵/۱۱
	۲۲۲	۵۴۰۶	۱۰۵	۸۴۹	۱۰۵	٪۱/۵۱	۱۰۵	٪۲/۲۱
	۲۰۴	۲۰۴۴	۱۳۴	۵۸۰	۱۳۴	٪۱/۰۳	۱۳۴	٪۲/۸۲
	۱۷۸	۴۵۴۸	۶۳	۶۶۸	۶۳	٪۱/۱۹	۶۳	٪۳/۴۳
	۱۶۹	۲۵۶۵	۱۳۰	۹۰۷	۱۳۰	٪۱/۶۲	۱۳۰	٪۲/۷۳
	۱۲۸	۹۹۷	۶۵	۲۴۹	۶۵	٪۰/۴۴	۶۵	٪۱/۳۷
	۱۲۷	۲۵۸۹	۱۰۲	۱۲۱۵	۱۰۲	٪۲/۱۷	۱۰۲	٪۲/۱۵
	۱۰۹	۳۸۵۵	۶۸	۱۱۸۰	۶۸	٪۲/۱	۶۸	٪۱/۴۳
	۸۶	۴۶۹	۱۸۷	۵۴۹	۱۸۷	٪۰/۹۸	۱۸۷	٪۳/۹۳
	۸۲	۳۹۱۴	۶۹	۸۷۲	۶۹	٪۱/۵۵	۶۹	٪۱/۴۵
	۷۵	۱۰۲۰	۹۳	۶۴۵	۹۳	٪۱/۱۵	۹۳	٪۱/۹۶
	۶۲	۲۰۳۵	۱۵۱	۱۴۶۵	۱۵۱	٪۲/۶۱	۱۵۱	٪۳/۱۸
	۴۹	۱۶۴۰	۲۵	۶۳۵	۲۵	٪۱/۱۳	۲۵	٪۰/۵۳
	۴۷	۳۱۶	۱۴۶	۵۲۶	۱۴۶	٪۰/۹۴	۱۴۶	٪۳/۰۷
	۴۷	۴۵۲	۳۳	۱۴۲	۳۳	٪۰/۲۵	۳۳	٪۰/۶۹
	۴۴	۲۹۳	۱۸	۶۶	۱۸	٪۰/۱۲	۱۸	٪۰/۳۸
	۳۱	۴۴۸	۲۴	۲۳۰	۲۴	٪۰/۴۱	۲۴	٪۰/۵۰
۲۴	۲۰۹	۱۰۷	۳۱۳	۱۰۷	٪۰/۵۶	۱۰۷	٪۲/۲۵	
عبارات و اصطلاحات	۱۹۲	۳۸۲	۱۳۳	۳۴۳	۱۳۳	٪۰/۶۱	۱۳۳	٪۲/۷۹
	۳۳۵	۱۶۷۳	۱۲۸	۲۳۰	۱۲۸	٪۰/۳۶	۱۲۸	٪۲/۶۹
مصادر	۳۳۵	۱۶۷۳	۱۲۸	۲۳۰	۱۲۸	٪۰/۳۶	۱۲۸	٪۲/۶۹

برای انجام مقایسه‌ی مطابقت و هم‌خوانی بین واژگان خواننداری و نوشتاری، با استفاده از جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان<sup>۱</sup> (پاول، ۱۳۷۹: ۱۲۷) از هر گروه یا زیرگروه در هر دو پژوهش، بر اساس جامعه‌ی اولیه (تعداد واژگان جدول مربوط)، نمونه تعیین و بر اساس آن کار مقایسه انجام می‌شود. بدیهی است که در هر گروه یا زیرگروه، نمونه‌گیری بر اساس جدولی (در پژوهش فکری یا پژوهش حاضر) که تعداد واژگان بیش‌تری دارد تعیین می‌شود. سپس واژگان نمونه‌ی انتخابی از هر دو پژوهش، بررسی می‌شوند تا مشخص شود که در هر گروه یا زیرگروه چه درصدی از واژگان با هم مشابه بوده است.

در جدول شماره‌ی ۶ نتیجه‌ی حاصل از بررسی و مقایسه‌ی هم‌خوانی و شباهت واژگان دو پژوهش در گروه‌ها و زیرگروه‌های مربوط نشان داده شده است.

جدول ۶: مقایسه شباهت و هم‌خوانی واژگان در هر دو پژوهش

گروه	زیرگروه	تعداد واژگان نمونه در پژوهش حاضر	تعداد واژگان نمونه در پژوهش فکری	تعداد واژگان مشابه در هر دو پژوهش	درصد واژگان مشابه
فعلی	افعال ساده	۱۴۰	۱۰۳	۱۰۰	۷۱/۴۲٪
	افعال مرکب	۱۸۱	۱۳۲	۵۵	۳۰/۳۸٪
غیر فعلی	اشیاء و ابزار	۱۶۹	۱۴۸	۶۸	۴۰/۲۴٪
	جانوران	۱۴۰	۸۰	۶۱	۴۳/۵۷٪
	مشاغل	۱۳۲	۹۷	۳۶	۲۷/۲۷٪
	اسامی خاص	۱۲۳	۵۶	-	-
	جای‌ها	۱۱۸	۹۷	۴۶	۳۸/۹۸٪
	خوراکی‌ها	۹۷	۵۶	۳۳	۳۴/۰۲٪
	گوهرها	۹۷	۸۰	۵۰	۵۱/۵۵٪
	زمان	۸۶	۵۹	۳۵	۴۰/۷۰٪
	علمی	۷۰	۱۲۷	۱۸	۱۴/۱۷٪
	اندام‌ها	۶۶	۵۹	۴۴	۶۶/۶۷٪
	گیاهان	۶۳	۷۶	۲۲	۲۸/۹۵٪
	اعداد	۵۲	۱۰۸	۲۸	۲۵/۹۳٪
	خویشاوندی	۴۴	۲۴	۱۸	۴۰/۹۱٪
	دین	۴۰	۱۰۸	۱۴	۱۲/۹۶٪
	ورزش و بازی	۴۰	۳۲	۴	۱۰٪

گروه	زیر گروه	تعداد واژگان نمونه در پژوهش حاضر	تعداد واژگان نمونه در پژوهش فکری	تعداد واژگان مشابه در هر دو پژوهش	درصد واژگان مشابه
	پوشاک	۴۰	۱۴	۹	٪۳۵
	رنگ‌ها	۲۸	۲۴	۱۷	٪۶۰/۷۱
	شهرها	۲۴	۸۶	۱۰	٪۱۱/۶۳
اصطلاح	عبارات و اصطلاحات	۱۲۷	۹۲	۷	٪۵/۵۱
مصدر	مصدر	۱۸۱	۹۷	۲۰	٪۱۱/۰۵

در جدول ۷ نیز به طور کلی، واژگان پایه‌ی به دست آمده در دو پژوهش مقایسه و بررسی شده است:

جدول ۷: نتیجه مقایسه واژگان پایه در هر دو پژوهش

زیر گروه/گروه	تعداد واژگان نمونه در پژوهش حاضر	تعداد واژگان نمونه در پژوهش فکری	تعداد واژگان مشابه در هر دو پژوهش	درصد واژگان مشابه
واژگان پایه	۳۱۰	۲۸۰	۱۹۷	٪۶۳/۵۴

برای رسیدن به یک نتیجه کلی در زمینه‌ی مطابقت واژگان دو پژوهش، نتیجه‌ی مقایسه‌ی تمامی گروه‌ها و زیرگروه‌ها در جدول ۸، به طور کلی نشان داده شده است:

جدول ۸: جمع‌بندی مقایسه گروه‌ها و زیرگروه‌ها به طور کلی

گروه/زیر گروه	میزان انطباق	درصد انطباق
فعل	ساده	زیاد
	مرکب	کم
غیر فعل	اشیاء	کم
	جانوران	کم
	مشاغل	کم
	اسامی	-
	جای‌ها	کم
	خوراکی	کم
	عناصر طبیعی	زیاد

گروه/زیرگروه	میزان انطباق	درصد انطباق	
زمان	کم	۴۰/۷۰	
	واژه‌های علمی	خیلی کم	۱۴/۱۷
	اندام	زیاد	۶۶/۶۷
	گیاهان	کم	۲۸/۹۵
	اعداد	کم	۲۵/۹۳
	خویشاوندی	کم	۴۰/۹۱
	دین	خیلی کم	۱۲/۹۶
غیر فعل (ادامه)	ورزش	خیلی کم	۱۰
	پوشاک	کم	۳۵
	رنگ	زیاد	۶۰/۷۱
	شهرها	خیلی کم	۱۱/۶۳
اصطلاحات	خیلی کم	۵/۵۱	
مصدر	خیلی کم	۱۱/۰۵	
مجموع	کم	۳۱/۸۹	

### ۹. نتیجه‌گیری و بحث

همان‌طور که در بخش بیان مسأله مطرح شد، هدف از انجام این پژوهش این است که مشخص شود نویسندگان و مترجمان کتاب‌های داستانی، تا چه اندازه از واژگان آشنا و قابل درک برای کودکان در کتاب‌های مخصوص گروه‌های سنی «ب» و «ج» استفاده کرده‌اند. به همین منظور به جمع‌بندی نتایج حاصل از مقایسه‌ی واژگان خوانداری و نوشتاری پرداخته خواهد شد.

#### ۹-۱. واژگان گروه فعلی

درباره‌ی استفاده از افعال در واژگان نوشتاری و خوانداری کودکان دبستانی، نسبت به کارگیری افعال ساده و مرکب در هر دو پژوهش تقریباً یکسان بوده است؛ بدین معنی که نتایج دو پژوهش نشان می‌دهد که افعال ساده درصد بیش‌تری از بسامد کل واژگان را نسبت به افعال مرکب به خود اختصاص داده‌اند؛ اما در زمینه‌ی شباهت واژگان، نتایج



نشان می‌دهد که بین افعال ساده شباهت زیاد و بین افعال مرکب شباهت کمی در دو پژوهش وجود دارد.

#### ۹-۲. واژگان زیرگروه‌های غیر فعلی

##### ۹-۲-۱. واژگان مرتبط با اشیاء و ابزار

این موضوع هم از لحاظ تنوع واژگان و هم از لحاظ بسامد آنها، در نوشته‌های کودکان بیش‌تر استفاده شده است؛ بدین معنی که کودکان به اشیاء و ابزار پیرامون خود توجه بیش‌تری دارند و در ضمن، نوع اشیای مورد توجه آنها با واژگان خوانداری آنها متفاوت است؛ چراکه بین اشیای پرسامد به کار رفته در دو پژوهش درصد شباهت کمی وجود داشته است.

##### ۹-۲-۲. واژگان مرتبط با جانوران

در پژوهش حاضر، هم از نظر تنوع و هم از نظر بسامد، واژگان مرتبط با جانوران بسیار بیش‌تر از پژوهش فکری استفاده شده است. بین واژگان دو پژوهش در موضوع جانوران نیز درصد شباهت کمی وجود داشته است.

##### ۹-۲-۳. واژگان مرتبط با مشاغل

در موضوع مشاغل و حرفه‌ها نیز واژگان بیش‌تری از نظر تنوع و بسامد در پژوهش حاضر وجود دارد. استفاده نکردن بیش‌تر از واژگان مرتبط با مشاغل در نوشته‌های کودکان، شاید به دلیل ناآشنایی آنها با مشاغل و حرفه‌ها به دلیل شرایط سنی گروه بررسی شده باشد. البته استفاده از مشاغل مختلف در کتاب‌های داستانی کودکان می‌تواند آنها را با این مشاغل بیش‌تر آشنا کند. نوع مشاغل استفاده شده در نوشته‌های کودکان با کتاب‌های داستانی آنها نیز متفاوت است؛ چراکه درصد شباهت بین واژگان دو پژوهش در این موضوع کم است.

##### ۹-۲-۴. اسامی خاص و مشاهیر

اسامی به کار رفته در نوشته‌های کودکان نسبت به اسامی به کار رفته در کتاب‌های داستانی تنوع بیش‌تر و بسامد کم‌تری دارند. از سوی دیگر هیچ مورد مشابهی نیز بین اسامی به کار رفته در دو پژوهش وجود ندارد.

**۹-۲-۵. واژگان مرتبط با جای‌ها و مکان‌ها**

نسبت استفاده از واژگان مرتبط با جای‌ها و مکان‌ها در هر دو پژوهش تقریباً به یک اندازه است. اما بین واژگان این زیرگروه در دو پژوهش درصد شباهت کمی وجود دارد.

**۹-۲-۶. واژگان مرتبط با خوراکی‌ها**

واژگان مرتبط با خوراکی‌ها نیز در پژوهش حاضر بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است. از نظر نوع خوراکی‌ها نیز واژگان دو پژوهش متفاوت هستند؛ چراکه بین واژگان این زیرگروه در دو پژوهش درصد شباهت کم است.

**۹-۲-۷. واژگان مرتبط با گوهرها و عناصر طبیعی**

واژگان این زیرگروه، با اختلاف نسبتاً کمی از نظر تنوع (نسبت واژگان این زیرگروه به کل واژگان)، در نوشته‌های کودکان بیش‌تر به کار رفته است؛ اما از نظر شباهت، درصد شباهت زیادی بین واژگان این زیرگروه در دو پژوهش وجود دارد.

**۹-۲-۸. واژگان مرتبط با زمان**

درصد استفاده از واژگان مرتبط با زمان، هم از نظر تنوع واژگان و هم از نظر تکرار آن‌ها در کتاب‌های کودکان بیش‌تر بوده است و شباهت کمی نیز بین واژگان این زیرگروه در دو پژوهش وجود دارد.

**۹-۲-۹. واژگان علمی**

کودکان در نوشته‌های خود از واژگان علمی بیش‌تری نسبت به کتاب‌های داستانی استفاده کرده‌اند. واژگان علمی به دست آمده در پژوهش فکری، هم از نظر تعداد (نسبت کاربرد واژگان علمی به کل واژگان) و هم از نظر تکرار (نسبت بسامد واژگان علمی به کل بسامد)، بسیار بیش‌تر از واژگان علمی حاصل از پژوهش حاضر هستند؛ هم‌چنین، شباهت بسیار کمی بین واژگان علمی دو پژوهش وجود دارد.

**۹-۲-۱۰. واژگان مرتبط با اندام‌ها و حواس**

واژگان این موضوع از نظر تعداد (نسبت استفاده از واژگان این زیرگروه به کل واژگان)، در کتاب‌های داستانی بیش‌تر استفاده شده‌اند؛ اما از نظر تکرار (نسبت بسامد واژگان این زیرگروه به کل بسامد)، در پژوهش فکری بسامد بیش‌تری داشته‌اند. هم‌چنین شباهت زیادی نیز بین واژگان این موضوع در دو پژوهش وجود دارد.

**۹-۲-۱۱. واژگان مرتبط با گیاهان**

واژگان مرتبط با گیاهان نیز در پژوهش فکری (یعنی در نوشته‌های کودکان) بیش‌تر از پژوهش حاضر استفاده شده است. این واژگان، هم از نظر تعداد و هم از نظر بسامد، بیش‌تر از واژگان به دست آمده در پژوهش حاضر هستند و شباهت کمی نیز بین واژگان این زیرگروه در دو پژوهش وجود دارد.

**۹-۲-۱۲. واژگان مرتبط با اعداد**

چنان که مقایسه‌ی جداول پژوهش حاضر با جداول پژوهش فکری نشان می‌دهد، واژگان مرتبط با اعداد نیز در نوشته‌های کودکان بیش‌تر از کتاب‌های داستانی استفاده شده است. هم‌چنین شباهت کمی بین اعداد استفاده شده در دو پژوهش وجود دارد.

**۹-۲-۱۳. واژگان مرتبط با خویشاوندی**

یافته‌ها نشان می‌دهد که واژگان مربوط به خویشاوندی از نظر تعداد (نسبت استفاده از واژگان این زیرگروه به کل واژگان) در پژوهش حاضر بیش‌تر استفاده شده‌اند؛ اما از نظر تکرار (نسبت بسامد واژگان این زیرگروه به کل بسامد)، در پژوهش فکری بسامد بیش‌تری داشته‌اند. هم‌چنین میزان شباهت واژگان این زیرگروه در دو پژوهش بسیار کم است.

**۹-۲-۱۴. واژگان مرتبط با دین**

واژگان مرتبط با دین نیز در نوشته‌های کودکان، بسیار بیش‌تر از کتاب‌های داستانی استفاده شده است. این مسئله نشان دهنده‌ی استفاده نکردن کافی از مفاهیم دینی در کتاب‌های داستانی کودکان است، در حالی که کتاب‌های داستانی، محمل بسیار مناسبی برای انتقال مفاهیم دینی هستند. هم‌چنین، شباهت بسیار کمی بین واژگان دینی دو پژوهش وجود دارد.

**۹-۲-۱۵. واژگان مرتبط با ورزش و بازی**

واژگان این زیرگروه با اختلاف نسبتاً کمی در پژوهش حاضر بیش‌تر استفاده شده‌اند؛ اما شباهت بسیار کمی بین واژگان این موضوع در دو پژوهش وجود دارد.

**۹-۲-۱۶. واژگان مرتبط با پوشاک**

واژگان مرتبط با پوشاک در این پژوهش، بیش‌تر از پژوهش فکری به کار گرفته شده‌اند و شباهت کمی نیز بین واژگان این زیرگروه در دو پژوهش وجود دارد.

**۹-۲-۱۷. واژگان مرتبط با رنگ‌ها**

تعداد واژگان مرتبط با رنگ‌ها (نسبت تعداد واژگان این موضوع به کل واژگان) در هر دو پژوهش یکسان است؛ اما از نظر تکرار (نسبت بسامد واژگان این موضوع به کل بسامد) در پژوهش فکری، بیش‌تر تکرار شده‌اند. بین واژگان مرتبط با رنگ‌ها در هر دو پژوهش میزان شباهت زیادی وجود دارد.

**۹-۲-۱۸. واژگان مرتبط با شهرها، استان‌ها و کشورها**

واژگان مرتبط با شهرها، استان‌ها و کشورها نیز که بیش‌تر اسامی آن‌ها را در برمی‌گیرند، در نوشته‌های کودکان بیش‌تر استفاده شده است. در این زیرگروه نیز بین واژگان دو پژوهش شباهت بسیار کمی وجود دارد.

**۹-۳. گروه عبارات و اصطلاحات**

عبارات و اصطلاحات در پژوهش حاضر بیش‌تر به کار گرفته شده‌اند. شباهت بین عبارات و اصطلاحات استفاده شده در دو پژوهش بسیار کم است.

**۹-۴. گروه مصدر**

در زمینه‌ی مصدرهای استفاده شده در دو پژوهش، یافته‌ها نشان می‌دهد که در پژوهش حاضر مصدرهای بیش‌تری از کتاب‌های کودکان بدست آمده است. البته چنان‌که در بخش‌های پیش نیز توضیح داده شد، علت این مسئله تفاوت در معیار انتخاب مصدر در دو پژوهش است. اما به هر حال، بین مصدرها در دو پژوهش نیز شباهت بسیار کمی وجود دارد.

**۹-۵. واژگان پایه**

با توجه به جدول ۷، میزان شباهت واژگان پایه نیز در دو پژوهش زیاد بوده است.

**۹-۶. جمع‌بندی**

همان‌گونه که در بخش هدف پژوهش بیان شد، این پژوهش به منظور مقایسه‌ی واژگان خوانداری و نوشتاری کودکان دبستانی انجام شده است. به این منظور، مقایسه‌ی این واژگان در جداول ۲ تا ۸ انجام گرفت و در نهایت با توجه به نتیجه‌ی مقایسه در جدول

۸، روشن شد که میانگین درصد انطباق در کل واژگان پژوهش برابر با ۳۱/۸۹٪ است و با توجه به جدول ۱، در مجموع میزان شباهت و هم‌خوانی واژگان خوانداری و نوشتاری، به طور میانگین «کم» بوده است. نتیجه‌ی به دست آمده نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که نویسندگان و مترجمان کتاب‌های داستانی کودکان به میزان کمی به توانایی‌ها و قابلیت‌های زبانی کودکان توجه می‌کنند و کم‌تر از واژگان مناسب و قابل فهم برای کودکان بهره می‌برند.

بی‌توجهی به مخاطب در ادبیات کودک و نوجوان به تولید ادبیاتی می‌انجامد که به دلیل موضوعات و نگاه پیچیده و هم‌چنین دایره‌ی واژگانی گسترده، با استقبال کودکان و نوجوانان روبه‌رو نخواهد شد. از سوی دیگر، ممکن است چنین اثری برای بزرگ‌سالان نیز جذابیتی نداشته باشد. ادبیات کودک به اعتبار ادبیات بودنش، با ادبیات به مفهوم عام شباهت دارد؛ اما به اعتبار آن که مخاطب آن کودک است از ادبیات به مفهوم عام متفاوت می‌شود و به تبع آن اهداف و کارکردهای آن نیز تفاوت می‌یابد؛ ادبیات کودک و نوجوان بدون توجه به ویژگی‌های مخاطب مفهومی بیهوده و بی‌معنی است (سیدآبادی، ۱۳۸۰: ۱۶). با توجه به این ضرورت، امید است که نویسندگان کتاب‌های داستانی کودکان، از نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه، استفاده کنند و ضمن آگاهی بیشتر از جنبه‌های مختلف رشد جسمی و روحی کودک، همواره ویژگی‌های رشد زبانی کودکان را در مقاطع مختلف سنی در نظر داشته باشند. پیشنهاد می‌شود از نتایج این پژوهش در تألیف کتاب‌های داستانی و درسی کودکان دبستانی استفاده شود؛ همچنین نویسندگان و مترجمان کتاب‌های کودک و نوجوان می‌توانند برای هماهنگ ساختن نوشته‌های خود با دانسته‌های کودکان و استفاده از واژگان قابل فهم برای آنان از نتایج این پژوهش استفاده کنند.

#### ۱۰. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

- پژوهش‌های مشابهی بر اساس کتاب‌های درسی کودکان انجام شود.
- واژگان غیرفعلی پژوهش بالا با واژگان مشابه در پژوهش فکری مقایسه و مشخص شود که آیا واژگان به کار رفته در کتاب‌های درسی، در موضوعات تعیین شده در سطح دانسته‌های کودکان هستند یا خیر؟
- پژوهش‌های مشابهی در تمامی گروه‌های سنی انجام شود.

## فهرست منابع

- بدره‌ای، فریدون. (۱۳۵۲). *واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران*. تهران: فرهنگستان زبان ایران.
- پاول، رونالد ار. (۱۳۷۹). *روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران*، ترجمه: نجلا حریری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز انتشارات علمی.
- حافظی، علیرضا. (۱۳۸۰). «ادبیات کودک، ادبیات تدریج است: بحثی در روان‌شناسی مخاطب کودک و نوجوان». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۷، شماره‌ی ۲۶، صص ۳-۱۳.
- دیانی، محمدحسین. (۱۳۶۹). *روش‌های تحقیق در کتابداری*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سحابی راسخ، سارا. (۱۳۸۰). «کتابخوانی کودکان». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۷، شماره‌ی ۲۴، ص ۹۰.
- سیدآبادی، علی اصغر. (۱۳۸۰). «ادبیات کودکان متوسط، تأملی در مبحث مخاطب شناسی ادبیات کودک و نوجوان». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۷، شماره‌ی ۲۵، صص ۲۰-۱۱.
- عطایی، غلامعلی. (۱۳۷۷). «اهمیت و ضرورت خواندن و مطالعه در جهان امروز». *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۴، شماره‌ی ۱۳، ص ۹۱.
- علاقه‌مندان، جعفر. (۱۳۸۰). «واژگان پایه در خدمت ادبیات کودکان و برنامه‌ریزی درسی». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، صص ۸۰-۸۴.
- فکری، نادیا. (۱۳۸۲). *شناسایی و تحلیل واژگان نوشتاری کودکان دبستانی بر اساس نامه‌های ارسالی آن‌ها به مجلات رشد نوآموز و رشد دانش آموز در سال‌های ۱۳۸۰-۸۱*. رساله‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.
- یغمایی، جواد. (۱۳۸۳). *کودک و مطالعه*. تهران: کتابدار.
- Baker, Scott., Simmons, Deborah C., Kameenui, Edward J., (2001). "Vocabulary Acquisition: Synthesis of the Research". Available at: <http://idea.uoregon.edu/~ncite/documents/techrep/tech13.html>
- White, T. G., Graves, M. F., & Slater, W. H. (1990). "Growth of reading vocabulary in diverse elementary schools: Decoding and word meaning". *Journal of Educational Psychology*, 82 (2), 281-290.